

# Language and the Cultural and Ideological Influences of Iran and China

**Mojtaba Najafi**<sup>1</sup>

Researcher, Al-Mustafa International University

**Mohammad Hosseini Harandehi**<sup>2</sup>

Researcher, Al-Mustafa International University

Received: 2023/06/06 | Accepted: 2023/06/17

## Abstract

Language and culture, as well as their soft power, are key factors in the civilizational interactions between Iran and China, leading to mutual influence. Understanding culture is one of the main elements in recognizing the political, economic, and social dynamics of nations. Undoubtedly, ideology plays a significant role in the foreign policy strategies of both the People's Republic of China and the Islamic Republic of Iran. While Marxist ideology has an economic nature and rejects religious and metaphysical matters, the ideology of the Iranian Islamic Revolution, rooted in national and religious culture, incorporates metaphysical and religious dimensions .

Iranians and Chinese share many cultural, historical, and civilizational similarities. The Silk Road stands as a pivotal historical point for both nations, significantly enhancing their cooperation. In fact, from ancient times to the present, the influence of Iranian and Chinese civilizations has been felt in various fields. Research and archaeological findings confirm that, alongside Sanskrit, the Persian language has had a profound impact on Chinese culture, especially among the country's Muslim ethnic minority, with traces of this influence still evident today. This article seeks to examine the relationship between these two civilizations and the role of language as a bridge between them, using a library-based research method that draws on archaeological, cultural, and ideological data from the most reliable Chinese texts.

**Keywords:** Language, Culture, Iranian and Chinese Culture, Ideology, Differences.

---

1. **E-mail:** m\_najafi@miu.ac.ir

2. **E-mail:** mohammad.harandehi1368@gmail.com



## زبان و تأثیرات فرهنگی و ایدئولوژی ایران و چین

مجتبی نجفی<sup>۱</sup>

مبلغ بین الملل، دانش آموخته حوزه علمیه قم

محمد حسینی هراندهی<sup>۲</sup>

مبلغ بین الملل، دانش آموخته حوزه علمیه قم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

### چکیده

زبان و فرهنگ و قدرت نرم آن عوامل ارتباط تمدنی بین دو کشور می باشد که باعث تأثیرگذاری بر یکدیگر می گردند. شناخت فرهنگ یکی از عناصر اصلی شناخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملت ها است. بدون شک ایدئولوژی یکی از عناصر تأثیرگذار بر سیاست گذاری خارجی دو کشور جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران بشمار می آید. در حالی که ایدئولوژی مارکسیسم دارای ماهیت اقتصادی می باشد که به مسائل دینی و ماوراءالطبیعه اعتقادی ندارد، اما ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران به جهت ریشه داشتن در فرهنگ ملی و مذهبی از ابعاد ماوراءالطبیعه و مذهبی برخوردار می باشد. ایرانی ها به دلیل شباهت های فرهنگی، تاریخی و تمدنی که با یکدیگر دارند بسیار شبیه چینی ها هستند. جاده ابریشم نقطه عطفی در تاریخ هر دو کشور بوده است و نقش بسزایی در افزایش همکاری بین چین و ایران داشته است. در واقع از دوران باستان تا امروز تأثیر تمدن های ایران و چین در هر حوزه ای احساس می شود. آثار به دست آمده و

1. E-mail: m\_najafi@miu.ac.ir

2. E-mail: mohammad.harandehi1368@gmail.com

پژوهش‌های انجام شده مؤید این موضوع است که علاوه بر زبان سانسکریت، زبان فارسی تأثیرات عمیقی در فرهنگ چینی به ویژه در فرهنگ اقلیت قومی مسلمان این کشور به جا گذاشته که تأثیرات آن تا به امروز باقی است. از این رو، در مقاله حاضر تلاش شده است تا با روش گردآوری اطلاعات از میان داده‌های باستان‌شناختی، فرهنگی و ایدئولوژیکی به صورت کتابخانه‌ای از معتبرترین متون چینی به بررسی مناسبات این دو تمدن و همچنین زبان که دو عامل ارتباط تمدنی بین دو کشور هست پرداخته شود.

### واژگان کلیدی

زبان، فرهنگ، فرهنگ ایران و چین، ایدئولوژی، تفاوتها.

### مقدمه

#### روابط فرهنگی ایران و چین در ادوار تاریخ

تماس فرهنگی بین چین و ایران از اواخر دوره اشکانی و در دوره ساسانی، به ایجاد تغییرات در هنجارهای اصلی فرهنگ چین و ایران منجر شده است. این تغییرات بیشتر در هنجارهای فرهنگ نخبگان چین، به ویژه جنبه «هنری» آن رخ داده است. ایران به عنوان کشوری که بر سرزمین‌های زیاد و مردمان بسیار از فرهنگ‌های مختلف سلطه داشته و با آنها تعامل داشته است، همواره مورد توجه بوده است. در حقیقت، جایگاه ایران در تاریخ جهان و سهم آن در تاریخ نوع بشر تنها می‌تواند در پرتو بررسی تماس و تعاملات با قدرت‌های بزرگ همسایه آن شناخته شود. از جمله این فرهنگ‌ها، فرهنگ و تمدن چین است. ایران در روزگار پیش از اسلام، به مناسبت‌های مختلف و از راه‌های گوناگون با فرهنگ و تمدن چین تماس داشته است و از دوره‌ای مشخص، سفرایی از ایران به طور مرتب به چین سفر می‌کردند. این روابط گسترده، جنبه‌های مختلفی از فرهنگ و تمدن ایران را تحت تاثیر خود قرار داد و شعر فارسی، تجلی گاه این تأثیرات است.

بدون شك ایدئولوژی یکی از عناصر تاثیرگذار بر سیاست گذاری خارجی دو کشور جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران بشمار می آید. در حالی که ایدئولوژی مارکسیسم دارای ماهیت اقتصادی می باشد که به مسائل دینی و ماوراءالطبیعه اعتقادی ندارد، اما ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران به جهت ریشه داشتن در فرهنگ ملی و مذهبی از ابعاد ماوراءالطبیعه و مذهبی برخوردار می باشد، لذا منافع ملی را بیش از آن که در ظرف ملی تعقیب نماید در چارچوب اسلام شیعی جستجو می نماید. در نتیجه تعقیب منافع ملی به معنای کلاسیک و رئالیستی آن با مشکل مواجه می گردد.

از سوی دیگر ایدئولوژی مارکسیسم نه تنها در فرهنگ باستانی و کهن جمهوری خلق چین از جایگاهی برخوردار نبوده است، بلکه با بسیاری از عناصر فرهنگ باستانی و ملی این کشور در تقابل بوده است، اما ایدئولوژی اسلامی ایران ریشه طولانی در بستر فرهنگ ملی و به ویژه مذهبی دارد و به همین جهت از جنبه اعتقادی و ایمانی برخوردار می باشد، لذا کنار گذاشتن و یا تعدیل آن نسبت به جمهوری خلق چین به آسانی انجام نمی پذیرد. با این حال چین به جهت برخورداری از قابلیت ها و توانایی های نظامی، سیاسی و اقتصادی و به جهت دوقطبی بودن نظام بین الملل و مهیا بودن شرایط بین الملل قادر بود که از ایدئولوژی به عنوان ابزاری جهت هویت سازی استفاده نماید در حالی که جمهوری اسلامی ایران از این توانمندی ها و شرایط برای بهره برداری از ایدئولوژی برخوردار نبوده است.

اهمیت این بحث از یکسو به جهت اهمیت «منافع ملی» و از جهتی دیگر به لحاظ شناخت میزان تاثیرگذاری فرهنگ بطور اعم و ایدئولوژی به طور اخص در قالب تصمیمات فردی و یا بوروکراتیک بر نحوه تصمیم گیری های سیاست خارجی می باشد.

هدف از ضرورت انجام این پژوهش این است که بتوان به نحو شایسته تری به نقش محدودکننده ایدئولوژی در اتخاذ تصمیمات منطقی تر پی برد، آن هم در



جهانی که با تمامی انواع شعارهای اخلاقی هنوز خط مشی دولتها در چارچوب بازی های قدرت در چارچوب رهیافت واقعگرایانه انجام می پذیرد و اصل را بر عینی و مادی بودن منافع ملی گذاشته اند. مورگنتا در سومین اصل از اصول ششگانه خود می گوید: «واقع گرایی چنین فرض می کند که مفهوم کلیدی آن، یعنی منافع در چارچوب قدرت، مقولهای عینی است که اعتباری عام دارد» (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۱۶) در حالی که جمهوری اسلامی ایران حداقل در سیاست های کلان، ارزش محور عمل می نماید و منافع ملی را به لحاظ ذهنی مورد توجه قرار می دهد.

آثاری که در این شصت ساله اخیر در توتن هانگک پیدا شده است که از جمله چندین هزار نسخه نامه های دینی، ادبی، هنری و علمی می باشد که روشنایی خیره کننده ای بر پژوهندگان تاریخ تمدن می افکند که هم چگونگی مردم این بوم را می نمایاند و هم تاریخ تمدن ایران را روشن تر می کند. با آنکه مقدار زیادی از این آثار هنوز، نرسیده و انتشار نیافته ولیکن همین اندازه ای که در دست است به خودی خود برای نشان دادن اهمیت چنین فرهنگی کفایت می کند.

### روابط فرهنگی ایران و چین در اعصار گذشته

روزگاران بسیار کهن میان دو سرزمین پهناور و آباد ایران و چین همبستگی خیلی نزدیک فرهنگی دیده می شود. از کوهستان پامیر که در قسمت شرقی فلات ایرانست رودخانه بزرگی سرازیر می شود و بطرف مشرق می رود. حوضه این رودخانه وسیع است و سرزمین پهناوری را سیراب می کند مردمان این بوم آباد با اهالی شمالی پنجاب و پامیر و یا ایرانیان شمالی و مشرقی غورستان همبستگی فرهنگی داشته اند. در همین جاست که روزگاری یکی از بزرگترین کانون های فرهنگی نژاد ایرانی بوده است. نام برخی از شهرهای آن همانطور که در قدیم بوده و در ادبیات فارسی ذکر شده است هنوز هم به چشم می خورد.

ابی بطوطه در شرح سفر خود به چین نقل می کند که در کشتی چینی امیر ناحیه

کانسو در هنگامی که این شاهزاده چینی به افتخار مهمان خود بزمی در کشتی تفریحی خویش در روی رودخانه تدارک می دید ملاحان و خنیاگران این شعر سعدی را می خواندند:

تا دل به مهرت داده ام      در بحر غم افتاده ام  
تا در نماز استاده ام      گوئی به محراب اندری

جالب اینجاست که هنوز بیش از پنجاه سال از مرگ سعدی نگذشته بود که آوازه او در چین به گوش می خورد و مردم آنجا با این زبان شیرین فرهنگی آشنائی فراوان داشتند. ابن بطوطه نقل می کند که در خان بالغ (پکن) پایتخت چین، بزرگترین مرشد شهر خواجه برهان الدین ساغرچی نام داشت و او ایرانی بود و در بسیاری نقاط دیگر نیز روحانیون ایرانی پایگاهی بلند داشتند. او می نویسد که نگهبانان سلطان عنوان «پاسوانان» (پاسبانان) را داشتند دسته تیراندازان «سپاهیان» خوانده می شدند و به مامورین انتظامات «درودرگان» می گفتند و شیخ بزرگ خان بالغ لقب «صدر جهان» داشت.

### آثار فرهنگی ایران در چین قدیم

در زادگاه کنفوسیوس در پرستشگاه یِن تسو (Yen - tsai) کتیبه هایی است که دوتای آنها نوشته هایی به فارسی دارد. در طول چندین قرن کشتی های بازرگانی ایران بطور منظم از خلیج فارس و کرانه های شرقی آفریقا و هندوستان به بندرهای چین رفت و آمد می کردند. در قرن چهارم هجری ابوزید فارسی کتاب جامعی نوشت که در آن راه های دریایی ایران به هندوستان و چین مفصلاً شرح داده شده بود.

یکی از مهم ترین جنبه های «فرهنگ نخبگان» یک تمدن، تأثیر پذیری آنها از مؤلفه های تمدنی یا فرهنگ نخبگان جوامع هم جوار در نتیجه تماس فرهنگ هاست (10: 1938, Herskovits) این جنبه از تأثیر هنر ساسانی بر هنر و زندگی نخبگان درباری چین را می توان در میزان نفوذ پوشش ایرانیان در بین درباریان چین در زمان دودمان وی شمالی و بعدها نقطه آن را در دوره تانگ دید. پوشش ساسانی به



احتمال بسیار زیاد ابتدا طبقه نخبه و اشرافی دربار وی را تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه، مجسمه کشف شده در شمال چین که تاریخ آن به سال ۴۵۷ م مربوط می شود. در این مجسمه مادر بودا در حال تولد فرزندش به تصویر کشیده شده است؛ در حالی که پیراهنی با آستین تنگ و دامنی بلند پیلی دار به مانند پوشش زنان ساسانی بر تن دارد (Siren, 117: 1925) این نوع پوشش که در ایران دوره ساسانی بسیار رواج داشت، در بین زنان اشراف دربار وی شمالی و همچنین دربار پادشاهان کره ای رایج بوده است. (Mahler, 1959: 19)

### اواخر دوره ساسانی: اوج تماس و برهم کنش فرهنگ‌های ایران و چین

با روی کار آمدن امپراتوری‌های سوئی و تانگ و بالطبع ایجاد ثبات سیاسی و امنیتی در چین، روابط سیاسی و تجاری ایران و چین وارد مرحله جدیدی شد. در آغاز قرن هفتم، خاندان سوئی نسبت به هم پیمانان و پناهندگان ایرانی سیاست رسمی تساهل داشت که به ندرت می توان چنین نگاه به خارجیان را در تاریخ چین یافت. این خاندان آغازگر این رویکرد سیاسی جدید بودند که حتی برای نظارت بر اتباع خارجی، اداره ای را نیز تأسیس کرده بودند (Ecsedy, 157: 1979) دوره حکومت سوئی و اوایل امپراتوری تانگ در چین مصادف است با حکومت هرمزد چهارم (590-579م)، (خسرو دوم 590-628م) و سال‌های هرج و مرج در شاهنشاهی ساسانی که به سقوط آن انجامید. براساس متون چینی، در این دوره روابط سیاسی همچنان تداوم داشته و به ویژه در زمان یزدگرد سوم به اوج خود رسیده است. (Liu Xu, 6258-6260: 1975, Ou Yangxiu, 1975: 5311-5313) مطابق با تاریخ دودمان سوئی، در دوره حکومت امپراتور یانگ از دودمان سوئی، فرماندهی به نام «لی یوه» به عنوان سفیر به ایران فرستاده شد و پادشاه ایران که به احتمال بسیار خسرو دوم بود، به نوبه خود سفیران و هدایایی همراه لی یوه به دربار چین فرستاد. (83: Wei Zheng, 1973, j, 28/14). 149 یافته‌های باستان‌شناختی نیز بر گسترش

تعاملات فرهنگی ایران و چین در اواخر دوره ساسانی به ویژه سده های ششم و هفتم تأکید دارند. در نیمه دوم قرن ششم میلادی در دوره حکومت دودمان های جو و سوئی، ورود کالاهای گران قیمت به چین افزایش یافت. مهاجرت صنعتگران سغدی و بلخی به شمال غربی چین در این دوره افزایش یافت و بر سلیقه و سبک هنری چینیان تأثیر عمیقی گذاشت. اوج حضور صنعتگران اهل سغد و بلخ و همچنین اوج ورود کالاهای غیربومی و گران قیمت به چین به ۱۵۰ سال نخست امپراتوری تانگ بازمی گردد؛ زمانی که چین درهای خود را به روی تاجران و کالاهای مناطق غربی از جمله ایران ساسانی گشود. سیاست درهای باز امپراتوران تانگ باعث شد تا بیشتر تلفیق های هنری و فرهنگی نخبگان دو تمدن در نیمه اول امپراتوری تا تانگ اتفاق بیافتد.

تأثیر پوشش ایران دوره ساسانی در سده های هفتم و هشتم در چین به حدی بوده است که در آثار نویسندگان و شاعران دوره تانگ نیز به تصویر کشیده شده است. برای نمونه، در یکی از متون دوره تانگ به نام هسیانگ تا اشعاری آمده است که در آن توصیفات پوشش ایرانی بیان شده است. برای نمونه، در یک شعر آمده است: «در جامه ایرانی آستین ها تنگ است» و در شعری دیگر آمده است: «آستین من چسبیده است به دستم و من با آن خواهم رقصید». (Hsiang Ta: 1957:41-45) در این اشعار علاوه بر توصیف میزان استفاده اشراف و عار علاوه بر تو شاهزادگان چینی از پوشش ایرانی و دیگر عناصر فرهنگی ایران، به نوع پوشش و آرایش که از ایرانیان گرفته شده، بسیار انتقاد شده است؛ تا آنجا که این اعتراض ها سرانجام در سال ۶۷۲-۶۷۱ م. به فرمان منع استفاده از پوشش و آرایش ایرانیان برای زنان و مردان اشراف دربار تانگ انجامید. در قرن هفتم نیز موسیقی، نوع پوشش و حتی نوع غذا ایرانیان در بین طبقه اشراف چین به اوج محبوبیت رسیده بود؛ به گونه ای که در استفاده از آن مردان و زنان چینی از یکدیگر سبقت می گرفتند.

(427-424 : 1991 , Mahler , 1959 : 20 147,149 ; Pulleyblank)





## از جاده ی تاریخی و فرهنگی ابریشم تا کمربند اقتصادی چین

در اواخر سده ی بیستم و در پی تعاملات نوین جهانی، فرهنگ نقش مهم تر نسبت به اقتصاد و سیاست در نام گذاری جاده های کهن ایفا کرد؛ اگر چه درست دو دهه بعد) در ده سال گذشته (، اقتصاد بیش از فرهنگ مورد توجه کشورها قرار گرفت . سازمان یونسکو در دو دهه ی پایانی سده ی بیستم با رویکرد فرهنگی - تاریخی به جاده ها، کشورهای بسیاری را خطاب قرار داد . پروژه ی «جاده ابریشم، جاده ی گفت و گو : ۱۹۹۷-۱۹۸۸م» توسط یونسکو با تأکید بر تعاملات فرهنگی و بر محور گفت و گو اجرا شد . یونسکو بر اینکه منظور «یک جاده» نیست و «جاده ها» هدف اند، همواره عبارت «جاده های ابریشم» را به کار برده است. این سازمان، ایده ی خود را ذیل این تعریف پیاده کرد: «اصطلاح جاده های ابریشم شبکه ی وسیعی از تجارت و روابط دریایی است که شرق دور، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، فلات های ایران و آناتولی، قفقاز، شبه جزیره عربستان، منطقه ی مدیترانه و اروپا را شامل می شود. جابه جایی همواره ی مردم و کالاها در طول این مسیر منجر به انتقال و تبادل دانش، ایده ها، باورها، آداب و رسوم و سنت ها در طی سه هزاره شده است.» در این تعریف چند موضوع کاملاً نمایان است: گستره ی جغرافیایی جاده ها، جامعه، تجارت و علم و فرهنگ.

از سال ۲۰۱۵ م دوباره این موضوع مورد توجه یونسکو قرار گرفت و طرح این سازمان با شعار «گفت و گو»، «تنوع» و «توسعه» در جهت احیای نقش فرهنگی جاده ابریشم، در حالی اجرایی شده است که دولت ها بیشتر به نقش سیاسی و اقتصادی آن چشم دوخته اند.



## تأثیرات زبان فارسی در چین

بر نگاهی به مطالعات و پژوهش های ایرانی در حوزه چین نشان می دهد اغلب این تحقیقات مطالعات زبانی تمرکز کرده اند یا دست کم یکی از موضوعات اصلی تحقیقات آنان زبان فارسی و قلمروهای مرتبط با آن از جمله واژگان فارسی در زبان چینی بوده است، مثلاً خوانگ شی جیان (۲-۲۹:۱۹۹۳) معتقد است «زبان فارسی از سرچشمه های اصلی وام واژه های موجود در زبان چینی است. حتی در زبان چینی امروزه نیز هنوز هم برخی از واژه های برگرفته از زبان فارسی به چشم می خورد.»

لافر با تألیف کتاب سینو - ایرانیکا سهم بسزایی در مطالعه ارتباطات فرهنگی ایران و چین در طول تاریخ دارد. این کتاب ۱۳۵ بخش دارد که هر بخش مربوط به یکی از مشترکات فرهنگی این دو کشور است، که از آن جمله می توان به منسوجات، مواد معدنی، آهن آلات، سنگهای قیمتی، عنوانهای پستها و مقام ها و ... اشاره کرد. وی و در این کتاب به استخراج ۵۲ وام واژه ایرانی در اسناد باستانی چینی پرداخته است، اما می توان گفت که تعداد این واژه ها در واقع بیشتر از این تعداد بوده است و این امر در پژوهش های بعدی قابل استناد است. پس از لافر پژوهش های ایران شناسی و اکتشافات در متون و زبانهای مرتبط با فارسی مثل فارسی میانه، سغدی و ختنی روز به روز بیشتر شد. برای مثال در سلسله تانگ، دو بخش کتاب مقدس بودایی ها که توسط بو کنگ به چینی ترجمه شده است، با عنوان «بودای آگاهی بزرگ که یکی از چهار حقیقت شریف آیین بودایی به شمار می آید» سوترای خیر و شر که توسط جاودانگی ذکر شده که در آن در مورد صور فلکی دوازده گانه و تقویم کشاورزی صحبت شده است، روزهای هفته با تلفظ های زیر آورده شده که از فارسی میانه برگرفته شده است:

Yaosenwu 曜森勿 یکشنبه (معنای چینی: روز خورشید yak shamba)

Louhuosenwu 娄祸森勿 دوشنبه (معنای چینی: روز ماه du shamba)

Shisenwu 势森勿 سه شنبه (معنای چینی: روز آتش si shamba)



Chesenwu 掣森勿 (معنای چینی: روز آب chaha : r shamba)

Bensenwu 本森勿 پنج شنبه (معنای چینی: روز چوب panj shamba)

Shusenwu 数林勿 جمعه (معنای چینی: روز فلز shah shamba)

Xisenwu 翕森勿 شنبه (معنای چینی: روز خاک haft shamba)

با گذشت زمان، در سلسله یوان واژه های بیشتری از فارسی به زبان چینی راه پیدا کرد. در آن زمان، زبان بین المللی بیشتر نقاط آسیا فارسی بود و مردم آسیای غربی و آسیای میانه به چین راه پیدا کرده بودند و امپراتوری یوان همزمان با ایلخانان در ایران روابط خوب و نزدیکی داشته است. در زمان سلسله یوان که دوران حکومت مغولها در چین است، سه خط کتابت رسمی در چین وجود داشت: خط مغولی؛ خط چینی و خط خوئی خوئی. نکته حائز اهمیت آن است که آنچه در تاریخ خط خوئی خوئی نامیده می شود، در واقع همان خط فارسی است. لیو یینگ شنگ (۲۰۰۸: ۲) اشاره می کند که در زمان سلسله یوان با گسترش ارتباطات بین الملل چین با کشورهای اطراف، امپراتوری دستور ساخت مدرسه های را برای یادگیری زبان های خارجی و زبانهای اقلیت های قومی چین و ترجمه داد و یکی از اصلی ترین مدرسه ها مربوط به زبان فارسی بود. او در اینجا یاد می کند که خط فارسی در واقع به نام خط خوئی خوئی معروف بود. البته واژه «خوئی» در فرهنگ لغت زبان چینی به معنی «برگشتن» است. در «فرهنگ معاصر زبان چینی» ذیل مدخل این واژه آمده است که «استفاده از این واژه پس از فعل نشان دهنده این است که کسی یا چیزی از جایی دیگر به جای اصلی خود حرکت می کند». (۲۰۰۵: ۶۰۶) بنابراین، بر گمانیم که چون مردمانی از سرزمین پارس دین اسلام را به این سرزمین بردند و باعث گرویدن بخشی از مردمان چین به دین اسلام شدند، واژه «خوئی خوئی» به مردمان مسلمان شده چین نسبت داده می شد که معنی «برگشته» ارد یعنی کسی که از آیینی به آیین دیگر برگشته است پس کم کم این اقلیت قومی «خوئی

خویی» نام گرفت و خط مورد استفاده آنها مخصوصاً برای آموزش های دینی که خط فارسی بود «خط خویی خویی» نامیده می شد.

## اولین مدرسه ترجمه و آموزش زبان فارسی در چین و نخستین فرهنگ لغت فارسی - چینی

چین، نه تنها همیشه در صدد برقراری ارتباطات دوستانه با سایر کشورها بوده است، بلکه کشوری با اقلیت های قومی فراوان نیز به حساب می آید. این امر حاکی از نیاز بسیار این کشور برای آموزش و ترجمه زبانهای خارجی و زبانهای اقلیت های قومی این کشور است. در دوران سلسله هان غربی، زمانی که سفیری با نام جانگ چیان (۱۶۴ - ۱۱۴ ق م)، برای اولین بار به سرزمینهای خارج از چین پا گذاشت که در غرب این سرزمین واقع شده بودند، در واقع موجب باز شدن و رونق جاده ابریشم شد. او در طول عمر خود دو بار سفیر چین در کشورهای اطراف شد که هر بار موجب گسترش بیش از پیش روابط خارجی شد. اگرچه نخستین مرحله های گسترش زبان فارسی را در مقام آمدوشد تجاری از طریق فلات ایران و از طریق ماوراءالنهر، در امتداد جاده ابریشم، نمی توان بر اساس متون مشخص کرد (فراگنر ۱۳۹۴: ۳۴)، زیرا شواهدی موجود است که تاثیرات فرهنگ پارسی حتی به دوران سلسله چین مصادف با هخامنشیان را می توان در طرحها و تزیینات لباس و جایگاه و تزیینات قصر پادشاه چین شی خوانگ مشاهده کرد، اما اسناد مستدلی در دست نیست که بتوان آن را اثبات کرد؛ با این حال بعدها و در طول تاریخ می توان شواهدی دال بر این امر یافت. پس از سفرهای سفیر چین، جانگ چیان به کشورهای غربی چین، بسیاری از مردمان پارس و پارت به سرزمین های تحت امپراطوری سلسله هان آمدند و همراه خود دین های بودایی، زرتشتی، مانوی و یهودی را به این سرزمین آوردند. این مردمان برای حفظ فرهنگ و رسوم خود در میان خود شروع به آموزش و گسترش خط و زبان فارسی و پارتی کردند. بعدها در اوایل قرن بیستم میلادی، در منطقه تورفان چین طی چهار عملیات کشف آثار باستانی، تعداد قابل



توجهی از متون دین مانوی به زبانهای فارسی میانه، پارتی و سغدی کشف شد. طبق اسناد تقریباً از قرن هشتم میلادی گروهی از ایرانیان در منطقه تورفان در شمال غرب چین سکنی گزیدند و در نهایت با قوم اویغور که ترکان چین هستند، در هم آمیختند و یکی شدند. این موارد، گواه اهمیت سرزمین پارس و خط و زبان فارسی در طول تاریخ برای امپراطوری چین است.

### عوامل تولید قدرت نرم

یکسری از عواملی که تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم هستند شامل گسترش زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های الهی، موقعیت ایدئولوژیکی، روابط دیپلماتیک گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای اهداف دیپلماتیک، ارائه تصویر مطلوب از خود، طراحی و اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های قابل قبول، کسب جایگاه علمی بالا و فن‌آوری‌های پیشرفته، حذف کردن ذهنیت‌های تاریخی منفی، توانمندی اقتصادی بالا، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، برخورداری از شبکه‌های خبری جهانی و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای مختلف به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی. هم‌چنین برخورد مناسب و بیان مواضع قابل قبول در برخورد با بحران‌های بین‌المللی، مشارکت در جنبش‌های صلح طلب و نیروهای حافظ صلح، ارائه خدمات بشردوستانه، رعایت استانداردهای حقوق بشری، حمایت از جنبش‌های سبز و محیط زیست، تشکیل انجمن‌های دوستی با کشورهای مختلف، حضور گسترده در جوامع فرهنگی و رایزنی‌های فرهنگی در سطح گسترده در ایجاد و تقویت قدرت فرهنگی مؤثرند. برخی از نویسندگان حوزه روابط بین‌الملل، عوامل مؤثر دیگری را در تولید و تقویت قدرت نرم و سخت بیان نموده‌اند که عبارتند از: موقعیت جغرافیایی (آب و هوا، وسعت خاک، موقعیت ژئوپولیتیکی، جمعیت و نیروی انسانی)، سازمان اداری و دولتی، ظرفیت صنعتی، ارتباطات،

استعدادهای علمی، اختراعات، ابتکارات، ایدئولوژی و اخلاق اجتماعی، اطلاعات و سطح آگاهی، خرد رهبری و روحیه ملی.

در کل می‌توان گفت از جمله تجهیزات قدرت نرم، مردمی بودن و غیر رسمی بودن آن است. یعنی قدرت نرم، زمانی می‌تواند تولید گفتمان سازگاری با افکار عمومی کند که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت‌ها و امر و نهی‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه‌ای و فراملی نماید و به راحتی، پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند. نکته مهم، آن است که قدرتی که از این طریق بدست می‌آید را نباید با عوام‌گرایی و تولید عوامانه گفتمان اشتباه گرفت، بلکه قدرت نرم (قدرت فرهنگی) یعنی تخصصی شدن، علمی شدن و عقلانی نمودن حوزه قدرت در همه زمینه‌هاست.

#### ابزار قدرت نرم

قدرت نرم برای تاثیرگذاری بیشتر و دقیق تر از ابزارهایی استفاده می‌کند که شامل موارد زیر می‌باشد:

#### الف) ابزار اول اثرگذاری قدرت نرم: جذابیت

جوزف نای در تعریف خود از قدرت نرم بیان می‌کند که قدرت نرم شامل توانایی بدست آوردن مطلوب از طریق جذابیت می‌باشد و نه از طریق جبر و تطمیع. (نای: ۱۳۸۷-۲۴)

نای در جای دیگر قدرت نرم را برابر با واژه جذابیت می‌داند و بیان می‌کند که قدرت نرم قدرت جذابیت است و منابع آن دارایی‌هایی است که این جذابیت را تولید می‌کند. (نای: ۱۳۸۷-۴۴) او در کتب دیگر خود به قدرت متقاعد و همراه کردن (نای: ۱۳۸۷-۴۶) اشاره می‌کند و در آخر از میان واژه‌های اجبار، متقاعد نمودن و جذابیت، سومی را مطابق با نظریه قدرت نرم خود معرفی می‌کند. (نای: ۱۳۸۹-۲۹) در واقع قدرت نرم برخلاف قدرت سخت که مبتنی بر خشونت فیزیکی است بر ذهنیت و افکار استوار است. (باقری: ۱۳۸۷-۲۱۷) و لذا از بازیگران متنوع



برخوردار بوده (هوکینگ: ۱۳۸۷-۹۷) و میزان تأثیرات و کنترل آن قابل بررسی دقیق نیست (واتانامه و مکائل: ۱۳۸۹-۴۸) در این مسئله هر طیف به جای آنکه از طریق تطمیع و یا خشونت دیگران را با خود همراه کند، از طریق تولید جذابیت و هنجارسازی به دنبال جلب بازیگران دیگر است. کاری که عمده رسانه‌های غربی با تسلط بر افکار و اذهان عموم جهان انجام می‌دهند و چه بسا تأثیر آن نسبت به حملات نظامی بیشتر هم هست. به عنوان مثال آمریکا در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی به شکل قابل توجهی از این قدرت نرم استفاده نمود و با نشان دادن تصویری غلط از عراق، عملیات اشغال و تصرف عراق را در اذهان عمومی جهان به عملیات آزادسازی تعبیر کرد.

### ب) ابزار دوم اثرگذاری قدرت نرم: مهارت‌های ارتباطی

روانشناسان و به خصوص روانشناسان حوزه اجتماعی بیان کرده‌اند که اثرگذاری بر دیگران از روش‌هایی چون به کارگیری مهارت‌های ارتباطی تأثیر بیشتری دارد. رینولد (Reinold) منابع قدرت نرم را در کتاب «قدرت نرم در سیاست خارجی» نسبت به آنچه نای بیان کرده، گسترده‌تر می‌داند. او بیان می‌کند که قدرت نرم یعنی توانایی اثرگذاری بر دیگران از هر راهی به غیر از تهدید. (Reinold 2003: 13) با این تعریف قدرت نرم معنایی وسیع‌تر می‌یابد و محدود به «جذابیت» نمی‌گردد. از این روش‌هایی چون فریب و خدعه و یا تظاهر به عجز و ناتوانی برای جلب ترحم دیگران، وارد حوزه قدرت نرم می‌شود.

### ج) ابزار سوم قدرت نرم: کارآمدی

در این بررسی بازیگر به دنبال روشی است تا کارآمدی خود را افزایش دهد. در این حالت از قدرت نرم، از طریق ثابت نمودن توانایی برای انجام تصمیمات به صورت مناسب و در زمان مطلوب، به دست می‌آید. در این تحقیق «قدرت نرم» به مقدار زیادی با «قدرت سخت» همراه است؛ زیرا تصور بر این است که در صورت تحقق

اهداف، دیگران ناخودآگاه به شما متمایل شده و جایگاه و اصالت شما را قبول می کنند.

در کل چنین می توان عنوان کرد که قدرت نرم و قدرت سخت در این گفتمان دو دسته از یک کل می باشند که از آن می توان به بُعد و جایگاه مادی قدرت که مبتنی بر تهدید و اجبار است یاد نمود.

#### (د) ابزار چهارم: فناوری پیشرفته در خدمت قدرت نرم

پیشرفت فناوری تاثیرات زیادی در اثرگذاری جنگ نرم دارد، به گونه ای که تولید و گسترش فناوری های پیشرفته موجب پیشبرد و پیروزی در جنگ نرم می گردد. در این مورد نیز، کاملاً بر نقش و اهمیت فناوری های سخت یا نرم افزاری تأکید و تمرکز می شود یعنی قواعد، روش ها و ابزارهایی در به کار بستن دانش علوم طبیعی در حل معضل تولیدات مادی. از این جهت، فناوری، نوعی سیستم دانش عملی و کاربردی است که از علوم طبیعی منتج شده است که به صورت مهارت، ابزار و قواعد برای تغییر، تطبیق و مدیریت طبیعت برای توسعه و بقای بشر استفاده می شود. (Zhouying, 2001: 1-2)

در ادبیات جنگ نرم، نقش و اهمیت فناوری های نرم کمتر مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. این در حالی است که بنیه و اساس جنگ نرم را این فناوری ها تشکیل می دهند و بدون این فناوری ها روند شروع، ادامه و انجام آن غیرممکن است. بر اساس تعریف سنتی از فناوری، دانشی که از علوم اجتماعی، علوم غیرطبیعی و معرفت سنتی غیرعلمی برای جواب دادن به مسائل و مشکلات کاربردی مختلف استفاده می شود، فناوری نرم نامیده می شود. فناوری نرم از مسیر استفاده درست از قوانین یا تجربه های مشترک در فعالیت های انسانی و اجتماعی حاصل می گردد که به قواعد، ابزارها، نهادها، روشها، شیوه ها و رویه ها شکل می دهد که به توسعه و ترقی، تطبیق و تنظیم یا کنترل جهان عینی و ذهنی کمک می کند. از این جهت، فناوری نرم برای تغییر، همراه کردن و مدیریت سوژه انسانی





از طریق مهارت‌ها، ابزارها، روش‌ها و قواعد است. این فناوری در دو مرحله به کار می‌رود: اولاً، تولید یا تبدیل انسان به سوژه؛ دوماً، تغییر، همراه و اداره کردن این سوژه در راستای اهداف و نتایج مطلوب.

### ضرورت مطالعات فرهنگی در سیاست خارجی و روابط بین الملل

ضرورت پرداختن به مطالعات فرهنگی بدین جهت است که توجه به اینکه فرهنگ هر کشوری از طریق باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها بر اندیشه و رفتار سیاستمداران اثر می‌گذارد، لذا شناخت دقیقی از محتوای فرهنگی جامعه برای بررسی سیاست کشورها امری ضروری است.

### الف (برداشت نخست: ویژگیهای فرهنگی ایرانیان و چین

#### • ویژگیهای فرهنگ ملی ایرانیان و باستانی چین

#### • دین سالاری

روح مذهبی در جامعه ایرانی آنچنان قوی است که به سختی بتوان باور داشت که انسان غیرمذهبی در فرهنگ ایرانی رشد داشته باشد. از نظر سهروردی، ایرانیان آتش را مظهر نورانیت خدا و نیز خلیفه خدا بر روی زمین دانسته‌اند. (سجادی: ۱۳۶۳:۸۴) حتی گفته می‌شود که رنگ سفید در پرچم ایران علامت صنف دین یار است. (سجادی: ۱۳۵۲:۴۷) حتی شاهی در ایران باستان از دو ویژگی برخوردار بوده است اول دین یاری و دیگری حکمت. در اندیشه ایران باستان به ویژه در آئین زرتشت شهریار باید در همه حال تابع و پیرو دین باشد زیرا که دین هرگز فساد نمی‌پذیرد اما قدرت شاهی فسادپذیر است و یا در معرض فساد قرار می‌گیرد. (Mirbagheri:2003:3)

محافظه کاری تفکرات حفظ وضع موجودی در چین را بیشتر می‌توان در فلسفه های کنفوسیونیسیم بودائیسیم، و فلسفه هان فی تسو مشاهده کرد. «تحت تاثیر فرهنگ محافظه کاری کنفوسیوس این کشور در حدود دو هزار و چهارصد -پانصد سال، حالت عجیبی را طی می‌کند که در این مدت جامعه چین نه جامعه‌ای وحشی

و نه عقب مانده، نه رشد یافته و نه متکامل، نه نهضتی و نه عقب مانده مترقی بوجود آورد و نه دچار سقوط گردید و همیشه حالت متوسطی داشته است که تحت و تاثیر آموزه کنفوسیوس بوده است» (شریعتی، ۱۳۸۱: ۲۱۵-۲۱۶) از سویی این محافظه کاری (متی، ۱۳۸۱: ۲۱۵-۱۶) با پیشرفت چینی‌ها به ویژه در آستانه قرن بیستم این کشور در تضاد بوده است. (بونوایا: ۱۳۶۴: ۷۴)

### • برخورداری از روحیه عدالت محوری

نیکی کدی در کتاب ریشه های انقلاب اسلامی ایران می گوید: «نگرش جهانی ایرانیان در حمایت از دیگر ملت‌های مستضعف به پیش از اسلام باز می گردد و ریشه در تجارب دوران امپراتوری ایران زمین دارد و از اصول اعتقادی ایرانیان مساله همیشگی استقرار جامعه آرمانی پاک است که عمدتاً به آرمان عدالت جهانی تعریف می شود.» (Mirbagheri, 38 : 2003) اینکه شاه خوب می بایست مظهر عدل الهی باشد، در ایران باستان دارای پیشینه‌های قابل توجه است، بگونه ای که از دست دادن عدالت از جانب شاه به منزله از دست دادن فره ایزدی وی محسوب می گردید.

### ب) برداشت دوم: تفاوت‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی ایران و چین

#### • ایدئولوژی فرهنگ محور در برابر ایدئولوژی اقتصاد محور

در مقایسه انقلاب‌های فرانسه و روسیه با ایران، امام خمینی (ره) عقیده داشت که آن انقلاب‌ها اساساً از ملاحظات مادی ملهم بود، حال آنکه انقلاب ایران می تواند برای کل بشر جمهوری اسلامی ایران براساس ایدئولوژی اسلامی (سوزیتو، ۱۳۸۲: ۳۰) عدالت اسلامی و سعادت به ارمغان بیاورد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۶۳) «سیاست فرهنگی اسلامی پایه ریزی شده است که مبتنی بر مفاهیمی همچون برتری مطلق توحیدی، اعتقاد به ذات خدایی مردم و گرایش مردم بسوی قدرت ایمان و... در بوجود آوردن ارزش‌های غیرمادی است. اما اساس انقلاب چینی‌ها مبتنی بر پایه های اقتصادی بوده است. و کمونیسم مدعی فلسفه ای است که وعده می‌دهد دنیایی بسازد که در آن برابری کامل، وفور نعم مادی، و کمال عدالت اجتماعی برقرار باشد. (عمرانی:



۱۳۷۶: ۵۱) مارکسیسم که تمام انقلابها را به پای کارگران می نویسد و آنها را انقلاب های پرولتاریایی می نامد. اما انقلاب اسلامی ایران نه منتسب به یک طبقه اجتماعی - اقتصادی، بلکه بیشتر منتسب به یک طبقه اجتماعی-فرهنگی است که در برگیرنده بسیاری از طبقات بود.

### ایدئولوژی دینی در برابر ایدئولوژی اخلاقی غیر دینی

می توان گفت که انقلاب ایران تنها انقلاب دینی در سطح جهان قلمداد می گردد که با مضامین دینی روبرو می باشد (رجایی: ۱۸۰: ۱۳۷۲) اما این قضیه در چین کاملاً بر عکس است، زیرا انقلاب چین نه یک انقلاب دینی بود و نه مکاتب رایج در این کشور جنبه دینی داشتند بلکه بیشتر مکاتبی اخلاقی و غیر دینی میباشند. همانطور که کنفوسیوس معتقد بود. «هرج و مرج زمانی روی میدهد که حاکم به لحاظ اخلاقی فاسد باشد». (Yuan, 2002, 8)

### تفاوت در ساختار نظام دو قطبی با نظام پس از جنگ سرد

برای بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، علاوه بر عناصر داخلی فرهنگی و ایدئولوژیکی بایستی به عوامل محیط بیرونی و تفاوت در ساختار نظام بین الملل اشاره داشت. او علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حالی که چینی ها در دوره جنگ سرد در قالب ایدئولوژی مارکسیستی-مائوئیستی مبادرت به هویت سازی نمودند اما شرایط نظام بین الملل برای جمهوری اسلامی ایران بگونه ای دیگر بود در دوره جنگ سرد این ایدئولوژیهای منتسب به غرب و شرق بودند که بواسطه برخورداری از توانمندی های نظامی، اقتصادی و سیاسی مبادرت به هویت سازی می کردند بطوریکه سیاست خارجی چین به شدت رنگ و بوی ایدئولوژیکی به خود گرفت (Lexian, 2003 : 2) اما هر چند که پس از جنگ سرد به زعم بسیاری از صاحب نظران عوامل فرهنگی تاثیر فزاینده ای بر روابط بین الملل خواهد گذاشت اما در گیریهای ایدئولوژیکی به نظر می رسد از عمق

کمتری نسبت به گذشته برخوردار باشد. بگونه ای که «با پایان نظام دو قطبی، رقابت ایدئولوژیک جای خود را به رقابت ژئواکونومیک داد». (ازغندی، ۱۳۸۱:۹۱)

### تفاوت ایدئولوژی در جمهوری خلق چین و جمهوری ایران

مارکسیسم-لنینیسم در چین یک پوشش ایدئولوژیکی برای تعقیب منافع ملی بوده است. از نظر بسیاری از کشورهای جهان سوم، مائوئیسم نشان دهنده جهان بینی جدیدی بود بعنوان آلترناتیو اصیلی برای ایدئولوژیهای «سلطه طلب» ابرقدرتها قلمداد می شد. (چونگ این مون، ۱۳۷۹:۶۵)

به گفته مائو «حقیقت هر علم و نظری به نتیجه عینی و عملی آن بستگی دارد نه مبانی ذهنی آن، تنها عمل اجتماعی معیار حقیقت است» (آزاد، ۱۳۷۸:۵۱) اما مائو به منظور بومی ساختن مارکسیسم در چین سعی نمود از نقاط مشترک این مکتب با کنفوسیونیسیم بهره ببرد.

اما جمهوری اسلامی ایران از طریق تکیه بر عامل ایدئولوژی و مذهب سعی دارد تا در برابر بسیاری از تهدیدات مقاومت نماید. برخی مقامات ایالات متحده بر این باورند که ایران از اسلام بعنوان ابزاری برای دستیابی به هژمونی سنتی در خلیج فارس استفاده می برد. گراهام فولر به نقل ریچارد کاتم می گوید: «با به قدرت رسیدن آیت ا... خمینی، برای اولین بار ایدئولوژی به یکی از ابزارهای سیاسی ایران تبدیل شد. ابزاری که نه تنها همسایگان مسلمان این کشور را بر آشفته می کرد، بلکه در اتحاد شوروی نیز با ۵۰ میلیون مسلمان اضطراب زیادی بر می انگیزخت». (فولر، ۱۳۷۷:۲۰۳)



## نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، حوزه فرهنگ نخبگان یا مؤلفه های تمدنی برای بحث و بررسی میزان تأثیر فرهنگی ایران از ایران باستان تا زمان حال انتخاب شده است؛ زیرا بیشتر داده ها و اطلاعات قابل بررسی در بحث تعاملات دو فرهنگ ایران و چین در دوره باستان شامل هنر، معماری، پوشاک، غذاها، هدایایی مانند حیوانات کمیاب و اندیشه های دینی و آیینی نخبگان و طبقه حاکم دو جامعه ایران و چین می شود. این بررسی مشخص کرده است که تأثیر فرهنگ و هنر ایران بر طبقه نخبه چین، از زمان دودمان وی شمالی به واسطه روابط نزدیک بین دو دربار آغاز شده بود تا اینکه در اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره تانگ به اوج خود رسید. در این دوره با گسترش تبادلات سیاسی، تجاری و هنری بین ایران و چین، گسترش دامنه نفوذ فرهنگ ایرانی در چین را شاهدیم.

اما در بحث ایدئولوژی اصولاً در طول فرایند تاریخی اصول و ارزشهای فرهنگی به مرور زمان برای مردم به عنوان یک سلسله هنجارها، ارزشها و ساختارهایی تبدیل می شوند که یا تخطی از آن امکان پذیر نیست و یا اینکه این امر به سختی انجام می پذیرد. به ویژه زمانی که این ساختارهای ارزشی دارای ریشه های دینی باشند، لذا بر این اساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران حداقل از دو جهت نسبت به ایدئولوژی مارکسیسم در جمهوری خلق چین با دوام تر بوده است. نخست اینکه، بدون شک ایدئولوژی مارکسیستی انقلاب چین از غرب وارد شد و با تغییراتی که بوسیله مائو انجام گرفت این ایدئولوژی در این کشور قابلیت اجرا نمود. اما از سویی دیگر بخش عمده ای از ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران جزء لاینفک بدنه فرهنگی و هویتی آن بوده است. دوم اینکه، ایدئولوژی مارکسیسم چینی یک ایدئولوژی اقتصادی و غیر دینی می باشد. اما ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران تحت

تأثیر آموزه های فرهنگی و دینی قرار دارد و همین جهت جنبه باورگونه پیدا می نمایند لذا نمی توان به راحتی آنها را کنار گذاشت و یا تعدیل نمود.

با بررسی فرهنگ وام واژه های زبان چینی دریافتیم که ۱۰۶ وام واژه ایرانی در زبان چینی وجود دارد. همه این واژه ها ریشه فارسی دارند و شامل اسامی تعدادی گیاه، حیوان، روزهای هفته، نامهای مذهبی و ... می شود. اما از این ۱۰۶ واژه ۷۰ وام واژه، دیگر کاربردی در زبان چینی معاصر ندارند، ولی ۳۶ وام واژه به زبان چینی معاصر راه پیدا کرده است. البته برخی از آنها از نظر تلفظ و گاهی از نظر معنی تغییراتی کرده اند. نکته دیگر اینکه اولین مدرسه ترجمه زبانهای خارجی در چین در سلسله مینگ در آغاز با هشت دانشکده زبانهای مختلف آسیایی و اقلیتهای قومی کار خود را شروع کرد و بعدها به ده دانشکده رسید.



## فهرست منابع

۱. جان سین لیان (۱۳۸۶)، متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران: از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری، ترجمه جانگ هونگ نین، تهران: سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده زبان و گویش.
۲. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، ویراسته جلال خالقی مطلق، ج ۷، تهران: انتشارات دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۳. آزاد، بهنام (۱۳۷۸)، جایگاه چین در نظام جدید بین المللی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. آزر، ادوارد ای، و این مون، چونگ (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
۶. اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتابهای جهانی آن، تهران: نشر باز.
۷. بال، ترنس و دگر، ریچارد (۱۳۸۶)، ایدئولوژی های سیاسی و آرمان دموکراتیک، ترجمه احمد صبوری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. بایرناس، جان (۱۳۸۰)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات تندیس.
۹. بوناویا، دیوید (۱۳۶۴)، چین ۱۹۸۰، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران: انتشارات تندیس.
۱۰. چان، آدریان (۱۳۸۳)، مارکسیسم چینی، ترجمه بهرام نوازی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. چینگ، جولیا (۱۳۸۳)، ادیان چین، ترجمه رضا ارشدی.

۱۲. دفتری، مریم و ملکوتی راد، علیرضا (۱۳۷۳)، «تحلیلی بر روابط چین و ژاپن» (۱۹۴۹-۱۹۹۳)
۱۳. فصلنامه سیاست خارجی، سال هشتم، بهار و تابستان، ترجمه حمید رضا ارشدی، ارشدی، تهران: انتشارات باز.
۱۴. رجائی، فرهنگ (۱۳۷۲)، تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران: نشر قومس.
۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
۱۶. سجادی، سیدجعفر (۱۳۶۳)، شهاب الدین سهروردی و سیری در فلسفه اشراق، تهران: نشر فلسفه.
۱۷. شفیعی فر، محمد (۱۳۸۴)، «الگوی نظری تحول انقلابی در ایران»
۱۸. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، سال هشتم، پائیز - عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۷)
۱۹. اندیشه سیاسی چین باستان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، عمرانی، حیدرعلی (۱۳۷۶).
۲۰. کمونیسم: نگاهی به کارنامه کمونیسم جهانی، تهران: اطلاعات، فولر، گراهام (۱۳۷۷)
۲۱. قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
۲۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و جهان سوم؛ روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۳. فراگنر، برت (۱۳۹۴)، فارسی زبانی قلمرو، هویت و رابطه زبانی در تاریخ آسیا، سعید فیروزآبادی تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.





from Prehistoric Times to the Present , 2nd ed . , 16 vols . , Tehran , XIV , pp . 3068-79.

25. Baines , John and Norman Yoffee . 1998. "Order , legitimacy , and wealth in ancient Egypt and Mesopotamia ," in G. Feinman and J. Marcus (eds.) , Archaic states (Advanced Seminar Barabantseva , Elena (2004).

26. "Chinese Nation - Negotiation in the Period Modernization EAS Electronic Working Papers . Vol . 2 , Number 5. (20 March) . Hearing of the Senate Judiciary Committee (1993).

27. Terrorism and America: A Comprehensive Review of Treat , Policy , and Law . Washington DC : US . Government Printing . office (21 April). Lexian , Fang (2003).

28. "Is China's Foreign Policy Becoming Less Ideological ?" UK : University of Durham . (www.dur.ac.uk) . Maleki , Abbas (2002).

29. Decision Making in Iran's Foreign Policy: A Heuristic Approach (sharif.edu/~maleki) Mirbagheri , Farid (2003).

30. "Political Culture & It's Impact on Politics: The Case of Iran" , Conflict Studies Research Center (March) . Sariolghalam , Mahmood (2003).

31. "Understanding Iran: Getting past stereotypes and mythology". (The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts Institute of Technology . The Washington Quarterly . Autumn .. Supreme Council of Cultural Revolution . Principles of the Cultural Policy of the Islamic Republic of Iran , Supreme Council of Cultural Revolution.

32. (<http://216.239.59.132/search>).

33. 美]劳费尔 (1964) , 《中国伊朗编》 , 林筠因译。北京: 商务印书馆。

34. 熊宗立 (1986) , 《居家必用事类全集》。

35. 北京: 书目文献出版社。

36. 黄时鉴 (1993) , 现代汉语中的伊朗语借词初探一兼从一个侧面看中国文化心理, 叶奕良主编《伊朗学在中国论文集》: 29 38页。

37. 北京: 北京大学出版社。黄时鉴 (1998) , 元代四体铭文铜权的考释 - 认识读波斯文铭为主, 叶奕良主编《伊朗学在中国论文集》: 41-47页。

38. 北京: 北京大学出版社。

39. 刘迎胜 (2002) , 回族与其他一些西北穆斯林民族文字形成史探—从回回字到“小经”文字, 《回族研究》第45期: 5 13页。

40. 宁夏: 宁夏新闻出版局。

41. 中国社会科学院语言研究所词典编辑室 (2005) , 《现代汉语词典》, 第五版, 北京: 商务印书馆。

42. 刘迎胜 (2008) , 《《回回馆杂字》与《回回馆译语》研究》北京: 中国人民大学出版社。 .

